

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (جلد المبتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روزه
 طبع و توزیع میشود

یومیه

مَبْلُغِ الْمَبْتِئِينَ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۵ قران
 سایر بلاد داخله ۵۰ قران
 روسیه و قفقاز ۱۰ سنت
 سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك
 (قیمت يك نسخه)
 در طهران سه ماهی
 سایر بلاد ایران یکمبای است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزادیات

پنج شنبه ۱۹ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۱ شهر یورماه جلالی ۸۲۹ و ۲۹ اوت ۱۹۰۷ میلادی

ببغیرت ترین ناس

ببغیرت ترین مردم کسی است که ناموس خود را
 حفظ نکند زن و دختر خود را توجه نکرده آنها را سر
 گردان و حیران بدون خرجی و معاش بگذارد و از انطوری
 هر چه پیدا کند بخرجهای بیهوده و مصارف بیمنعی صرف
 نماید در قمار خانها و قاحمه خانها و امثال آنها پول را
 بریزد و راهل و عیال صرف نظر نماید - بدبختترین
 و مظلومترین اهل عالم زنهای ایرانند خصوص ساکنین
 شهرهای بزرگ بالاخص زنهای طهران که درهای چاره
 و نجات بروی آنها بسته است نه معنوماتی دارند که در
 پناه آنها قوت لایموت بدست آورند و نه کسب و شغلی
 دارند تا بر تحصیل رزق قادر شوند چشم آنها بدست مردان
 است که شبانه نان و آبی بر ایشان تدارک کنند هر قسم
 تحکم را متحمل میشوند و استبداد مردان جاهل بی انصافی
 را بجان و دل بیخیزد و هزار خورده فرمایشی آنها را
 اطاعت میکنند که یکجورم خرجی بانها بدهند باسصلاح
 بعد از خدا امیدشان بشوهرانشان است ولی این بی انصافها
 گویا زنهارا جزء مخلوق حساب نمیکند و ناموس خود
 نمیشمارند و درصدد راحت آنها بر نمیایند در هر مقام
 شدی پول خرج کن خود را قلم میدهند جز در مقام
 زنها که هر نوع سختی را بانها وارد آورده ضرب و
 شتم را لازمه وجود آنها فرض کرده و آلات خدمت تصور
 نموده ابدی از حقوق انسانی برای آنها قائل نمیشوند - این
 ضعیفان چقدر در کنج خانه رنج برده و زحمت کشیده
 و اسباب رضایت شوهر را فراهم میکنند تا مگر چند صباحی
 در پناه اوزندگانی کنند و بالهکس مردان تا وقتی که روز

کار نکبت و شدت است ظاهر آن اظهار بکرنگی و بکرنگی کرده بمجرد
 آنکه اندک روحی در کار دیدند هزاران هوس بر سرشان
 افتاده از همخوابه دیرین غفلت کرده بفکر شاهدهی زبیا
 و دلبری رعنا افتاده آن بدبخت قدیمی را فراموش
 مینمایند -

مهربان تا وقتی که شوهر در قید حیات است باز اندک آسایشی
 دارند یعنی غالباً قوت لایموتی بانها میدهند اما چه بدبخت
 است زنیکه شوهرش وفات کند و آن بیچاره فلک زده را با چندین
 طفل بزرگ و کوچک گرسنه و تشنه تان و کربان بیوه و بیگس بگذارد
 حال این بیوتها رو بکه آرد و پناه بکه برد حسن و جمال
 رفته جوانی بسر رسیده اطفال صغیر عرصه را بر او تنگ
 کرده راه چاره اش از هر طرف مسدود اگر درست بحال
 زنان بیوه دقت کنیم و درحالت عجزشان که متحیر و
 سرگردانند تا مل نمایند حکم قطعی خواهیم کرد که هیچ
 طایفه در مانده تر از اینها نیست و اعانت و همراهی بانها
 از هر عمل خیری ثوابش زیاد تر است

زنهای بیوه ناموس ملتند حفظ و حرامت آنها بر افراد
 ملت لازم و واجب است البته هر ملتی که محافظت ناموس
 خود را منظور نداشته باشد آن ملت را ببغیرت و پست
 فطرت و نانیجیب و بیحیثیت باید خوانند و تنگ عالم بشر
 باید شمرد غیرت اسلامی حکم میکند که مردان چون زنان
 خود را اسیر دیدند بایستند و تا آخرین قطره خون خود
 را ریخته ناموس ملی را بدست دشمن نگذارند و همچنین
 خود گرسنه بسر برده آذوقه و ما کولات خود را
 بزنان بدهند

باینحال تمجب دارم که چرا جنس ایرانی يك مرتبه

همه چیز خود را فراموش کرده غیرت و حمیت را از دست

در این مقام هم نگاهداری ناموس ملت را وجه همت ساخته معادل حقوق آنها را فراهم کرده بهر شکل هست پولی جمع کرده بانها بدهند و از میدان توپخانه آنها را حرکت دهند تا رأی وزراء شور ما چه اقتضاء کند

(از ارومی ۲۲ جمادی ثانیه)

شرحی از اغتشاش طهران و اسفادات شیخ فضل الله و غیره مرقوم فرمود بودید کاملاً اطلاعی حاصل آمد دیروز ۲۱ شهر لشکر ارومی و عساکر عثمانی باجمعیّت زیاد در دشت ظهور کرده اردوی مارا متفرق و محل دشت و ترکور و مرکور را تصاحب کردند که هر روز یگنوع گریه میرفشانند و هر شب یکطور سلسله می جابانند حالا حالت اهل ارومی حالت اسرای کربلارا حکایت میکند از غروب دیروز تا الساعه هی شکسته بست فراری است که بشهر می آید اگر بخواهید از تفصیل مطلع باشید مختصراً عرض میکنم اردوی مجد السلطنه که چند روز بوده با استعداد تمام قریب دوهزارو پانصد جمعیّت در جلو قریه (تولی) دشت اردو زده و سنگرهای محکم ترتیب داده و اگر او را به پشت کوههای ایران فرار داده بودند بجهت بعض مصالح هنوز جنگ و جدل اتفاق نیفتاده و هر روز با سفارشهای تهدیدانه اگر اوراد برین حوی ورجا نگاه میداشتند و راه آذوقه حتی قند و چای و ابا کراد بسته بودند بالاخره چند روز بهمین اقدام اگر اده تنگ آمده کاغذ نوشتند که ما را امان بدهید هم اشیائیکه در جنگ هلوری از اردوی افخم الممالک بدست ما افتاده همه را پس میدهیم و هم خودمان بزیر توپ آمده و توبه کرده مشغول خدمت ایران میشویم

بشرط اینکه چهار و پنج روز باید بما مهلت بدهید مجد السلطنه با شرایط چند که در فریاد درج است آنها را امان و وعده عفو و آرزوش داده فرد ای همان روز غلیج بک برادر قوردو با چند نفر به زیر توپ دخیل آمده و اشیائی را نیز که از اردو در جنگ سابق برده بودند بکلی آورده تحویل داد مجد السلطنه هم یکطاقه حال بهشارالیه خلعت داده و بانسایب امیدواری و اطمینان مراجعت می دهد که رفته سایرین را نیز بزیر توپ بیاورد چند روز بود حالت اردو واکراد بهمین طورها می گذشت واکراد هم وعده آمدن را می بامروز و فردا می دادند در این بین چند پارچه کاغذ اگر اکراد که از باش قلعه ووان و نوجه گماشتگان دولت عثمانی به پیک زادهها نوشته بودند بدست جاسوسهای مجد السلطنه می افتد مضمون آنها عموماً قریب باین عبارتها بود که ای پیکزادگان دشت مکتوب های شما رسید استمداد کرده بودید اینک اراده سلیه از جانب دولت صادر شد دو

داده ناموس را فراموش کرده اند الای و الوی خرج حاصل کرده هرگز در فکر حفظ شرف و ناموس خود نیستند اکنون زیاده از یکماه است که زنهای بیوه فقیر بی بضاعت از شدت استیصال از خانه بیرون آمده در میدان توپخانه که ممبر عمومی است و روزی افلا چندین هزار نفر فرنگی و ارمنی و خارج مذهب عبور و مرور مینمایند متحصن و پناهانده شده در میان گرد و کثافت و گرما با هزار ذلت برای چهار شاهی حقوق عقب افتاده که مایه معاش و همه امید آنهاست فریاد و فغان میکشند اینهمه مسلمان که از انجا عبور میکنند یکدفر متاثر نمیشود حالت آنها با حدی اثر نمیکند ای کاش ایران باب دریا فرو رفته یا از زلزله خراب و ویران شد جاننداری در روی آن نمی بود که اینطور بیناموسی را شمار خود سازند نمیدانیم این وزراء ما که در یک مهمانی چندین هزار تومان مخارج بیهوده میکنند چه طور در اینمدت مدید نظر رفتی بانها نکرده و فکری برای آن عورات و فداوکات ننموده اند در یک شب در خانه خود چه مبلغها صرفی تیش و تکلف خویش نموده اما در این فقره که موجب هتک ناموس است صرفه جوئی و خست مینمایند صلماً که دولت هم پول ندارد اگر از جیب خود به بیوه زنان ملت اعانتی بنمایند چه میشود و چه عیبی وارد میاید؟

آخر همه کارها که با سباب چینی نباید بشود جانب خدائی را هم باید ملاحظه نمود فلان آدم را بمحض آنکه یک حرف میزند مبلغها حق السکوت یا حق الحمايه میدهند حالا در این مورد اگر بخدا اعتقاد دارند این مبلغ جزئی را حق الحمايه بخدا بدهند و ببقیده من خداوند بهتر از فلان نکره و ممره میتواند محافظت کند و شخص را عزیز کند اما اغلب از ماها چند ان اعتنائی باین عوالم نداریم و عزت و ذلت را با سباب چینی و پول دادن بفلان و بهمان میدانیم اینست که خداوند همیشه دماغمان را بر خاک میمالد متصل تو سری میخوریم متنبه نمیشویم حالاً بیائیم و یکدفعه هم اینکار را امتحان کنیم اگر ضرر بردیم بعد از این بهمان شیوه سابق رفتار میشود کرد — ابرو هم در دنیا چیز شریفی است بترسید از وقتیکه زن و بچه شما هم مثل این زنهای مستاصل بگردند و بخانه این و آن بالتماس بروند

آخرین اتمام حجت ما بوزراء این است که اگر در این هفته آنها را مقضی المرام روانه نکردند اداره حبل المتین حاضر است که باطمینانیکه از ملت قدر دان خود دارد محض حفظ ناموس دفتر اعانه باز کرده گسائیکه برای یک جشن چندین هزار تومان همراهی میکنند

عراده توپ و دو تاور عسکر امروز طرف مرکور حرکت کرد ایضا الساعه چهار عراده توپ باچند تاور عسکر دیگر حرکت میکند ابدأ واهمه نکنید و متفرق نه شوید ناده روز دیگر اردوی عجم را بادفع الوقت نگاه دارید البته تا آفرقت پیش شما آمده و آنچه میدانیم بر لشکر عجم خواهیم آورد والبتة البته با اردوی ایران مصالحه نکنید والا شما را در بین دو دولت معدوم خواهیم کرد . . . باری این کاغذ ها که بدست آمد بعضی گفتند صحیح است بعضی گفتند خلاف است و اینها همه تقلبات و پوولتیک اکرا است که میخواهند اردو را بواهی بیندازند و علاوه همه روزه در میان اردو و اکراد سوال و جواب و آمد و شد هم بود و هی می گفتند فردا خواهیم آمد پس فردا خواهیم آمد ولی نتیجه بروز نمیکرد دیروز علی الطایفه مجرد السلطنه با دوربین نگاه کرده می بیند که در سر کوههای طرفی اکراد و سر کپها کم که سباهی و جمعیت نمایان است فوراً اردو را سان نظامی داده و هر پنجاه نفر و صد نفر را بیک سر کوب و تپه می فرستد بخیل این که اکراد خودشان هستند و بخیل دعوا میبندند همین که جمعیت اردو به کوهها متفرق شده و بنای تیر اندازی می کنانند یک دهه می بینند که شیپور ها کشیده و کلوله توپهای عثمانی در هوا می آمد مجرد السلطنه بز پوولتیک حساب کرده و از آجائیکه احتیاطاً خالی کردن توپ صلاح نبود با شلیک تفنگ جلو آنها را زد کرده و چند نفر جلو و شمشه بان طرف می فرستند که خبر صحیح بیاورد فرستاده مراجعت کرده می گویند که قریب دو سه هزار نفر هرکی و عشایر و دزده عراده توپ و دوازده تاور عسکر عثمانی است در حالتیکه آتش دعوا مشتعل شده و از طرفی اردو کلوله تفنگ و از طرفی آنها کلوله های توپهای شش تیر و تفنگ های موزر روی هوا را گرفته مجرد السلطنه باز آدم می فرستد که ما خیال دعوی دولتی نداریم و با عسکر عثمانی هم کاری نداریم منتها مقصود ما تنبیه عشیرت خودمان است نه جنگ با عثمانی ما مورین عثمانی و ارکان حرب بیغام میدهند که ما بدون اجازه نیامده ایم و اراده سیه در این خصوص صادر شده که دو نفر اردوی ایران را در یکجا بگذاریم ولی چون مجرد السلطنه آدم بزرگ تربیت شده ایست محض خاطر او دو ساعت مهلت میدهم اگر نادر ساعت متفرق شده رفتند فبها والا یک آتش بر اردوی ایران میریزیم که تاقیامت خاموش نمیشود مجرد السلطنه هم چونکه اجازه دعوی عثمانی را نداشت مجبوراً شیپور کشیده و در حالتیکه خودتی با جمعیت زیاد سر کوبی را گرفته امر میکند اردو را و فورخانه را در حالت شکسته

بسته بطرفی شهر خراب شده بار می کنند این است که دیروز از غروب تا چند ساعت از شب گذشته شکست خورده اردو هی پنج نفر هی شش نفر دسته دسته بشهر می آمد ولی در چه حالات خداوند بهیچ کار قسمت نکند در و دیوار ناله می کرد خسارت دیروزی اردو هم از حساب خارج است اولاً نامعلوم شدن مطلب و حرکت اردو قریب پنجاه و شصت هزار فشنگ خالی کرده اند و چند نفر هم با کلوله توپ عثمانی ها زخمی و مقتول افتاده چادر اطاق بکلی مانده بندو غیره و بعضی از لوازمات هم در بین راه ریخته و مل پدانشده است که همه را حمل نمایند ملاحظه فرمائید اردوئی که در مدت سی و چهل روز به یکجا جمع بشود و فورخانه و لوازماتی که تدریجاً رفته چطور ممکن است که در ظرفی دو ساعت آنها را اینهمه وحشت و اوهامه بکلی بار شده و چیزی در زمین نماند مگر شوخی است عجاله هیچ کس از هیچ کس خبر ندارد و معلوم نیست که چه چیز آمده و چه چیز باقی مانده است خدا بفریاد اهل ارومی برسد خصوصاً دهات همسایه کردستان دیگر خدا میداند که حال آنها چطور میگردد و وحشت غریبی گرفته که کسی تکلیف خودش را نمی داند در صورتیکه اگر اد تاحل جزئی واهمه داشتند اینطور هرزگی ها نمی کردند حالا که بکلی آسوده خیال شدند به بینید چه خک بر اهل ارومی و دهات و حاصل مردم بیچاره خواهند ریخت همین قدر احوال این ولایت خیلی بد بنظر می آید مراتب را به طهران و تبریز خبر دادند اگر امیدواری به اهل ارومی داده نشود از قراریکه معلوم است لاداً یاره سفارت انگلیس و یاره فونسلوگری روس پناه خواهند برد اگر عساکر عثمانی خیال تخطی شهر را داشته باشند هنوز معلوم نیست که خیال آنها چیست ولی وحشت و پریشانی اینقدر میشود که در مردم نیست همین قدر کفایت است که چاکر زیاد از دو ساعت است بعضی عریضه ابتدا نمودام حواسم جمع نمیشود که مطلب را تمام بکنم و بدانم چه عرضی کردم یکجوری می نویسم حرف دیگر فراموشم میشود بخدا پناه

(انزلی)

روز چهارم شهر رجب بعد از وصول جراید بی تخت خاصه یومیه جبل المتین و واقعه ارومیه اهالی از حال طیبی خارج و سر از پا نمی شناختند عموماً در حیاط انجمن ملی گرد آمده شاگردان مدرسه محمدیه که عده شان تقریباً دوست نفر میشوند بطور نظام گردش کتان با حال اندوهناک داخل حیاط انجمن شده خطابهای مهیج آمیز قرائت می نمودند علماء و اعیان و غیره داخله و خارجه

از آنجا که مران را برکت بوزیر اکرم حکمران گیلان اخطار
 نموده است تا بعد چه شود

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری
 (سه شنبه ۱۷ شهریور رجب المرجب)

بعد از قرائت و تصحیح چند ماده از نظامنامه وزارت
 داخله تلگرافی از ارومیه بتوسط اتابک قرائت شد که
 تلگرافی مشتمل بر آمدن زکی پاشا و کمیسیون از برای
 رسیدگی تعدیات و تجاوزات واصل بموم تجار واعیان
 هم تبلیغ شد ولی استدعا که در این کمیسیون مامورین
 دول خارجی هم باشند در دست رسیدگی شده قطع تمام
 گفتگوها شود در آن موقع اعانه برای تساری مواهه بموقع
 است

تلگرافی از منجیل که مهاجرین بفرمان افراشته
 و میگویند علامت خون ریزیست تا مقصود حاصل نشود
 دست بر نمی آید امروزه هم علاوه از دوهزار نفر از اطراف
 آمدند ملحق شدند

گفته شد که یکی از آن بیدارها پس شریعتمدار است
 باید شریعتمدار و حاجی میرزا محمد رضا تبعید و چهار نفر
 هم تنبیه بشوند و الا ساکت نخواهند شد

لایحه جناب آقا میرزا طاهر مشتمل بر تعدیات و
 تجاوزات سبب دارد در تنا کابان و از اینکه کراراً با ولایت دولت
 اظهار شده و از طرف مجلس هم مطالبه رسیدگی شده بیج
 وجه اقدام نشد و هر اغتشاش و اسباب هرج و مرج را
 در آنجا فراموش می آورند بهر آن مذاکرات منجر شد بمدم همراهی
 اولیاً دولت و کابینه وزراء و اظهار شد باینکه وزیر می تواند
 از عهده مسؤلیت بر آید لازم نیست اینقدر بیه ملاحظت بتن خود
 بمالد آقای آبد عبد الله اظهار فرمودند چون فعلا عدلیه
 صحیح نیست و وزراء در کارها تسامح دارند و طبقه مجلس
 است که دادرسی از مملو مین بنمایند امیر میونی از کلا و وزراء
 بشنایند تحقیق و رسیدگی در این امر شده نتیجه انرا به پیش
 کا همیونی عرضه ندارند و احتیاق حق را بخواهند گفته شد
 که مشروطیت را ترتیبی است در همه جا که بغیر از وزراء
 بکسی کاری ندارند مطالبی که راجع بان وزارت خانه است
 میخواهند در صورت تسامح یا عدم کفایت بعد از سه مرتبه
 باید استعفاء بدهد این عرایض اول بوزارت داخله رسید است
 کراراً این مطلب از ایشان خواسته شد و هم چنین از طرف
 انجمن عرایضی هم مکرر اظهار شد جوابی نرسید آنچه از
 انجمن مذکور بوزارتخانه می رود مثل این است که از مجلس
 برود با این ترتیب لا اقل باید استعفاء داده باشد مدتیست
 که اکثریت آراء در مجلس با هیئت وزراء شد این مطلب
 در تمام ممالک است که وکلای پارلمانت دو دسته هستند یک

از آنجا که یهودی همه حضور داشتند برای شهدای ارومیه
 حضار در حین که خطابهها قرائت میشد خیلی گریستند
 نمرد ۳۶ جریده جبل المتین کاسکه را قرائت کرده و حضار
 را وقت دست داده هایم ای میگریستند سپس اطفال مدرسه
 هر یک پولی از جیب در آورده در میان سینی که در
 وسط حیاط روی میز بود گذارده برای اطفال مانده گان مقتولین
 ارومیه اعانه میدادند ملت هم در اعانه اطفال معاونت کرده
 اعانه میدادند و دفتر اعانه هم باز شده اعیان و اشرف
 و غیره و غیره اعانه داده و میدهند و این اعانه پس از جمع
 آوری به نظارت و تحویل داری انجمن ملت انزلی بمرکز
 لازم فرستاده خواهد شد که هم بمصرف قشون کشی و
 هم بیاقی مانده گان ارومیه برسد آفرین بر همت و غیرت
 اهالی انزلی امیدواریم سایر نقاط مملکت هم تاسی بانزلی
 فرموده دفتر اعانه برای مصارف لازمه قشون کشی و
 باقی مانده گان مقتولین ارومیه باز شده اعانه کلی بدهند
 باری روز مذکور مران را تلگرافاً باداره اطلاع داده
 صورت تلگرافی را خودم به تلگرافخانه بردم که مخابره
 نمایم تلگرافی عذر آورد که من مخابره نمیکنم راضی
 شدم به تلگرافی ارومیه بدهم بحرف فرانسه مخابره
 کند اول راضی شد سپس او هم عذر آورد که امروز
 را تعطیل کردیم علت را سؤال کردم معلوم شد تلگرافی
 مسلمان رفته بود در دکان شخص ارمنی ریش بتراشد
 و سر خود را اصلاح کند شخص سیدی محرمه به نام در
 آمدن از دکان بار کشته بعد از این دکان ارمنی سر
 تدراش زیرا که دکان مسلمانانی داریم که هر جور خواطر
 تو بخواید سر و صورت تو را صفامیدهد از آنجا که
 تلگرافی خیلی جوان بود و از کسی تاکنون این حرکت
 را ندیده بود خوشوقت نشده بین او وسید گفتگو میشود
 و برای خواطر همین فقره برکت خبر میدهد که مرا
 توهین کردند آنها هم با اشتباه افتادند عرض تلگرافی
 اظهار می نمود که الان تمام تلگرافخانه های ایران بواسطه
 این توهین که بمن شده خبر رفته و تعطیل کردند گفتم
 خوبست عرایض خودت را بانجمن بگوئی تا استنطاق
 و محاکمه شود و بمقصر مجازات داد شود گفت
 مهادت ما رؤسای تلگرافخانهها با هم غیر از این
 است بالاخره مران را بانجمن عرض نمودم از انجمن
 کلاش را مأمور کردند که تعطیل وعدم مخابرات صحیح
 نیست شکایت داری بانجمن عرض کن تا استنطاق شود
 قبول نشد کلاش هم قهر کرده رفت آخر بهزار خواهش
 تلگرافی را قبول و باداره مخابره نموده و شب را خودش
 یا تلگرافی ارمنی هر دو برشت رفتند دو روزت
 در تلگرافخانه بسته است و مخابرات جاری نیست

دسته طرفدار و رراء و دسته دیگر طرفدار ملت اغلب اکثریت پاکستانیست که طرفدار دولت هستند این است که وزراء از میانه آنها انتخاب میشوند و این مجلس هم مدتیست اکثر طرفدار هیئت کابینه شدند ولی قانون مشروطه وکیل آزاد است و لولایتکه مخالف با اتفاق آراء سایرین باشد امروز تمام تقصیر از وزراء است و آن اول تقصیر ایشان این است که چرا استعفاء نمیدهند

گفته شد که وزراء تقصیر ندارند تقصیر از مردم است که بوزرا بد میگویند روزنامه حبل المتین چه حق دارد که وزرا را عزل و نصب کند معلوم میشود که وزراء مختار نیستند نمیگذارند اینها کار بکنند باید بر اقتدار وزراء افزود و چون امروز درست این مملکت و ملت قابلیت مشروطیت تازه ندارند و اسباب و مقتضیات آن موجود نیست باید با تقضای امروزی قانون مشروطه گذاشت و جلوی مردم را گرفت و بر قدرت دولت افزود گفته شد که مشروطیت مرضی نمیشود پس آنچه مقتضی است نسخه آن نوشته شده بدست همه داده شود تا همین باشد اینها محض از برای اینست که بیخواهند مشروطه از مردم گرفته شود ولی نخواهد شد دیگر اینکه شخص یا روزنامه یا وکیل هرکس باشد در اظهار عقیده خود آزاد است مشروط باینکه مخالف با قانون مذهب و مشروطه نباشد و لولایتکه اکثر با آن عقیده مخالف و معاند باشند

گفته شد یکی از تقصیر وزراء اینست که بعد از تغییر یکمسیون مجلس آمدند ولی بمجلس علنی رسماً معرفی نشدند باینکه مشغول کار هم هستند

بعد از مذاکرات زیاد رئیس اظهار داشتند که اگر این هیئت وزراء تغییر کنند یک هیئت دیگر می آیند که سه روزه این مجلس را بر میدارند

امین التجار اظهار داشتند که انجمن خیابانها محض اظهار بی اصل یک نفر خیابان که مدعی طالب بود احضار نامه برای من نوشته احضارم کردند اطاعت نکرده دیروز شخص مدعی با چند نفر جلو مرا گرفته سوء ادب نموده اگر چه وزیر مخصوص او را خواسته اندک تنبیهی نمود ولی این حرکت بیفایده او و مداخله انجمن در این موارد جایز و کیری شود گفته شد که باید این اشخاص سیاست و چنین انجمن توقیف شود

مذاکره از این شد که چرا قانون اساسی خوانده نمیشود بیشتر این خرابیها برای اینست که قانون اساسی تمام نشده اگر قانون اساسی تمام بود که علی التقدیر در شرعیات مقدمه آن کسی حرفی نداشت و باین بهانه مردم را فریب نمیداد و معالجه دولتیان را ملت میکردند

پس لازم است که اول قانون اساسی خوانده شود همه مردم ببینند و بدانند که منافی و مخالف با شرع مقدس چیزی نوشته نشده و نخواهد شد

تلگرافی از نظام السلطنه از شیراز قرائت شد که تکلیف حکام غیر معلوم آنچه در روزنامهجات دیده میشود وزراء هم تکلیف معین ندارند مردم هم هرکس بلباس مشروطه طایبی است او را باسم طیبی و بایی و لامذهبی متهم مینمایند پیش مشروطه طلبان سایرین مستقر و ظالم و خائن هستند معاموم نیست تکلیف چیست و چه باید کرد

بعضی این اغتشاشات را نسبت باقبال الدوله و معمد الدوله دادند که محرك این مردم اینها هستند و نمیگذارند وزراء مشغول کار باشند

بعضی اظهار داشتند که چهار نفر هستند دور شاه را گرفته منع هستند باید آنها را طرد و منع بلکه دفع و رفع کرد بعد از مباحثات و مذاکرات زیاد بی نتیجه (مجلس ختم شد)

در این هفته با پست صورت تلگرافی علماء اعلام نجف اشرف در توییح مخالفین مجلس متحصنین در زاویه مقدسه و همچنین تلگرافی از آقا زاده آقای خراسانی رسید محض اطلاع عموم درج میکنیم طهران مجلس محترم شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه سابق مخابره نموده حالا هم زحمت میدهیم خداوند متعال گواه است که ما با بهدار غرضی جز تقویت دولت و تشدید ملت و ترقیه حال رعیت نداشته ایم عدم توشیح نظام نامه بصحه همیونی موجب تعطیل امور و تضییع حقوق و سلب امنیت برای عباد و بلاد است از ناحیه داعیان از حضور مبارک بنده کان اعلی حضرت سلطان اسلام ابدالله در خواست شود که رفاه حال عباد و مومور بودن بلاد را از مسلمات شمرده قاطبه رعیت را ببندل این مرحمت فرین امتنان فرمائید تا پیش از این اسباب تقویت خارجه و تضعیف داخله نکرده (نجل المرحوم میرزا خلیل قدس سره محمد حسین الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

(صورت تلگرافی مخالفین مجلس)

نجف اشرف

محضر مسعود حضرات آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم اجزاء مجلس شورا صورت تلگرافی از آن حضرات ابراز نموده دائر بر تمجید مجلسیکه اساس آن بر امر معروف و نهی از منکر و رفع ظلم و حفظ بیضه اسلام و امت و رفاه عامه باشد فرمایش تلگرافی عین مقصود داعیان کمال اطاعت از آن داریم تلگرافی که اشاره

فرموده بودید هیچ عاقلی حسن چنین مجلس را تواند انکار کند حرف در همین قیودات است که مجلس شورا دارای هیض آنها است مذلک تلگرافی مزبور را بر وجود چنین مجلسی حجت گرفته و عوام بی فهم بی سواد را اضلال می کنند استدعا نکه توضیح فرمایند مجلسیکه منشا شیوع منکرات و رواج کفریات و جسارت مرتدین و ضغف اسلام و مسلمین و هتک حرمة شریعت و شرایع و تاسیس قواعد حریت در امور دینی و سلب امن بلاد و رفاه عباد و ظلم برضما باشد چه تارفع شبهه عوام شده و وهنی بد بین اسلام نرسد الحق ساحت حضرات حجج اسلام اظهار و ارفع از این است که پاره ملاحظیات این فرمایشات فرمایند که باعث شبهه عوام و سلب عقیدت خواص و وهن خودتانی باشد الداعی فضل الله نوری احمد الطباطبائی مجتهد تبریزی شریعتمدار سبزواری احمد الموسوی عبد الله محمد جعفر الاحقر حسن الحابری علی اکبر

جواب تلگراف مزبور از قرار ذیل مخابره شده است تلگرافیکه بسیم خارجه مخابره فرموده موجب مزید آزردهگی آقایان حجج الاسلام و آیات الله فی الامام دامت ظللالهم گردید تلگرافیکه بمجلس محترم فرموده بودند مبنی بر بیان علت حکم بوده نه مجرد کبری و سکوت از صغری ملاحظه یعنی چه کلام مشبه کدام است اجمالاً بعد از آنکه عنده اراعاظم علما که اهرجهت محل وثوق اند در تطبیق نظامنامه بر قوانین شرعیه مراقب و فصل دایر بحفظ قوانین اسلام مندرج شده است این اقدامات غیر مترقبه جز پاره ملاحظیات شخصیه نیست محرمانه مستدعی که محض حفظ مقام خودتان — و نوع علما و شرع اتور زیاده بر این برزد مجلس محترم اقدامی نفرموده آنچه هم شده تدارک فرماید تا بجائی منتهی نشود که لامحالہ مضی احکام سخت از این ناحیه مقدمه شرف صدور یابد

مهدی بن حجة لا سلام خراسانی

اخبار تلگرافی خارجه

ارلندن در ساقرانسکو و همچنین در ایالات جنوی منجوری مرض طاعن بروز کرده است بعضی از روز نامجات مقالات در خصوص تقدیمی ژنرال و طرادج نموده اند برخی تمجید و تعریف از سخاوت و قدامت مزی الیه باین خیال مینمایند و بعضی شبهه دارند از اینکه با وجود تنگدستی و گرفتاری امروزه مملکت طراندول از حیث مالیه مشکوک بتواند از عهده اتباع و تقدیم آن برآیند

بنابر تلگرافی وقایع لکار روتر از زور ژوتن کابیتن انگلیس که فرمانده قشون سرحدی است وارد خاک و ترنلا شده و جمعی ماورین و ترنلارا که از قرار مذکور مقداری صمغ و کتیرا از جنگلهای انگلیس برده اند تهدید بانث رولور نموده در گذردن کتیرای مسروقه را خواسته اند ماور و ترنلا که تاب مقاومت نداشت تسلیم گردید ولی برئیس جمهوری و ترنلا اظهار داغته و ملتجی شده است دولت انگلیس نیز در صدد مخابره با فرمانده مزبور است

دریندر کابلانگاه مشهور است سلطان مراکش از فرجه جانب و ابات حرکت نموده که با اعتبار و مقابل ملاقات و مقابلی نمایند

(تریب)

درنمره ۲۹ در خصوص فسادیکه در کاشان واقع شده بنا بر اخبار یکدونه از آنجا نوشتیم که قتل واقع شده و زنی را بی سیرت نموده اند لکن بنا بر نوشتهجات و تلگرافاتیکه بعد از اشخاص موقوف رسید مسئله قتل بکلی بی اصل است و مسئله زن هم معلوم نیست فقط زخم و کتک زدن بوده است چون در بین ما مبالغه مرسوم است که در مقام اظهار صدمه زیاد مینویسند که فلانی را از بس زدند کشتند و طرفی چون مسبوق نیست حمل بر واقعیت میکند بهر حال آدم کشته نشده لکن جمعی مشرف بموت هستند

(اعلان)

بموم صاحبان اوراق حرکت عمومی و راه آستارا زحمت میدهند که باعث تمویق استرداد راه آستارا و احقاق حقوق مردم از ملک التجار تنها اوضاع داخلی مملکتی نیست بلکه علت اصلی بی دیانتی و بی همتی مؤسین است و بهمین جهت بعد از نه ماه زحمت و اذیتات حقوق شرکت در روز ارت خارجه و در مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه که بقبول وکالت متعهد باسترداد راه مظفری از روسها و سایر حقوق شرکت عمومی از ملک التجار شده بودم بکلی خود را از انجام این مقصود عاجز دیده به ناز دوام و نیم التماس و التجا بحضرات مؤسین که موافقت نمایند مجبور شده از وکالت خود بموجب همین اعلان استعفا داده رفع مسئولیت در ترد صاحبان اوراق شرکت عمومی و سایر برادران عزیز خود بنماید ۱۲ شهر رجب ۱۳۲۵ (احمد حیدری)

(اعلان)

کلیات پرنس میرزا ملکم خان جلد اول مشتمل بر دوازده رساله با عکس معظم له بهمت و غیرت ربیع زاده طبع شده در کتابخانه تربیت بفروش میرسد قیمت پانزده قران

(حسن الحسینی الکاشانی)